

اخبار فرهنگی

باحکم‌رئیس جمهور؛

اعضای هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور منصوب شدند



رئیس جمهور باصدور حکمی اعضای هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور را برای مدت چهار سال منصوب کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان بنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با صدور حکمی ضمن انتصاب محمدعلی مهدوی‌راد، محسن اسماعیلی، محسن جوادی، آزاده‌نظر‌بلند و فریا افکاری به عنوان اعضای هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، از ایشان خواست با حضور فعال در جلسات و تشریک مساعی اعضای محترم و با اتخاذ روش‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی‌های راهبردی مناسب، در پیشبرد بهینه امور کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور مجدانه اقدام کنند.

■ ■ ■

راه‌اندازی شبکه فارسی تلویزیون ترکیه (تی آر تی فارسی)

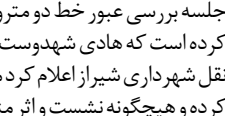


شبکه فارسی زبان تلویزیون دولت ترکیه (تی آر تی فارسی) راه‌اندازی شد. به گزارش اندازی شد. به گزارش عصر ایران، تی آر تی فارسی در مراسمی در آنکارای ترکیه فعالیت خود را آغاز کرد. شعار تی آر تی فارسی، «هر انسان، یک جهان؛ هر خبر، یک روایت» است. قبل از این وب سایت فارسی زبان شبکه تلویزیونی دولتی ترکیه تی آر تی) وب سایت فارسی خبرگزاری دولت ترکیه (آناتولی) فعالیت می کردند. این سومین شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان است که از سوی کشورهای دیگر راه‌اندازی می‌شود. قبل از این تلویزیون فارسی زبان بی‌بی‌سی از لندن (۲۰۰۹ – ۱۳۸۷) و تلویزیون «صدای امریکا» (VOA) در سال ۱۹۹۶ – ۱۳۷۵ راه‌اندازی شده بود. تی آر تی به زبان‌های دیگر شبکه‌های مختلفی دارد که از جمله می‌توان به تی آر تی جهانی (به زبان انگلیسی)، تی آر تی عربی و تی آر تی کردی اشاره کرد. سازمان رادیو تلویزیون دولتی ترکیه (تی آر تی) در وب سایت خود درباره راه‌اندازی شبکه تلویزیونی به زبان فارسی نوشته است که هدف «ارائه محتوای خبری دقیق، جامع و بی‌طرفانه برای بیش از ۱۳۰ میلیون فارسی‌زبان در سراسر جهان» است. تی آر تی اضافه کرد: «تی آر تی فارسی، به‌عنوان دوازدهمین زبان و نهمین پلتفرم فعالیت‌های بین‌المللی این شبکه است.» هنوز جزئیات از جمله زمان و ساعت‌های پخش این شبکه اعلام نشده‌است.

■ ■ ■

معاون شهرداری شیراز: کار متوقف‌نشده بود خط ۲ مترو شیراز از حافظیه عبور کرده

شورای فنی معاونت میراث فرهنگی کشور در حالی صبح روز دوشنبه با حضور معاون میراث فرهنگی و رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری



جلسه بررسی عبور خط دو مترو شیراز از حافظیه را بر گزار کرده است که هادی شه‌دوست شیرازی، معاون حمل و نقل شهرداری شیراز اعلام کرد مترو شیراز از حافظیه عبور کرده و هیچ‌گونه نشست و اثر منفی بر پیرامون مسیر عبور مترو مشاهده نشده است. معاون حمل و نقل شهرداری شیراز در گفت‌وگو با ایلا، از صدور بیانیه مشترک وزارت میراث فرهنگی و شهرداری شیراز در روزهای آینده درباره پروژه خط دو مترو حافظیه خبر داده و گفت: جزئیات مربوط به عبور مترو از حافظیه در آن بیانیه منتشر می‌شود. شه‌دوست شیرازی در پاسخ به این سوال ایلنا که وزارت میراث فرهنگی اعلام کرده بود پروژه متوقف شده است و با توجه به این موضوع که امکان خاموش کردن دستنگاه حفاری تونل مترو به دلیل وزن سنگین و نشست آن در زمین وجود ندارد، با این بیان پروژه متوقف مانده؟ افزود: اینکه پروژه متوقف باشد خیر چنین نیست و ما کار خودمان را انجام می‌دهیم. توضیحات مانیز افغان کننده‌بوده و البته مدل تی.بی.ام مورد استفاده در حفاری خط دو مترو حافظیه از جدیدترین متدهای روز بهر هر به که با فشار هوا می‌تواند نشست زمین را کنترل کند. معاون حمل و نقل شهرداری شیراز تاکید کرد: خوشبختانه تونل مترو از حافظیه بدون هیچ گونه نشست و اثری عبور کرده‌است و ادامه مسیر هم با رعایت ضوابط میراث فرهنگی انجام خواهد شد. او گفت: حفاری‌های خط دو و سه مترو شیراز به همراه اتصال خط یک به خط ۴ مترو شیراز با هماهنگی میراث فرهنگی اجرایی‌شود.

انیمیشن ایرانی در جمع نامزدهای اسکار



فهرست کوتاه نامزدهای نود و هفتمین دوره جوایز سینمایی اسکار در ۱۰ شاخه اعلام شد و انیمیشن کوتاه و ایرانی «در سایه سرو» به جمع ۱۵ نامزد اولیه شاه‌بهترین انیمیشن کوتاه راه یافت. به گزارش ایلنا، در شاه‌بهترین انیمیشن کوتاه نیز «در سایه سرو» ساخته شیرین سوهانی و حسین ملایمی از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به جمع ۱۵ نامزد اولیه راه یافته است. «خدا حافظ دنیای من»، «خرسی به نام وینک» «مردان زیبا»، «جرج بطری»، «خرچنگی در استخر»، «آب‌نبات‌های جادویی»، «شاید فیل‌های امن» «اور یگامی»، «پر بسپس»، «۲۰۱۸»، «سفر گردانی برای شگفتی»، «کلویه و خشکی مزاج» و «ای‌وای» دیگر نامزدهای اولیه شاه‌بهترین انیمیشن کوتاه هستند. در بخش بهترین فیلم بلند بین‌المللی نیز ۱۵ فیلم به جمع نامزدهای اولیه راه پیدا کرده‌اند که «در آغوش درخت» نماینده سینمای ایران موفق به حضور در این لیست نشده‌است.

درباره نمایش «عبور قوای برج عیوض از اراضی کاخ هنر» به کارگردانی وهاب ناصری منش

یک تئاتر ایللیاتی که سودای نظریه پردازی دارد



دعوت به مراسم ختم خان مورد وثوق اهالی ده، پذیرایی‌شدن و تماشای منازعات یک روستای دورافتاده در قسمتی از استان فارس فضای بسیار ملموس می‌سازد که احساس خوش صمیمیت را به ذهن متبادر کرده و تماشاگران را به مشارکت و تعامل در برگزاری آیین‌ها و مناسک روستاییان دعوت می‌کند. گواینکه کیفیت این تعامل به خلعت تماشاگرانی مربوط است که هر شب به پلاتوی کاخ هنر آمده و با محیطی غیرمنتظره روبرو می‌شوند و بی‌شک پیش‌فرض‌هایشان تا حدودی بهم می‌ریزد. به دیگر سخن این تماشاگران هستند که در صورت تمایل می‌توانند در مناسکی چون سوگواری به تعامل با گروه اجرایی پرداخته و فی‌المثل در آیین برگزاری مراسم ختم خان مشارکت کنند. جغرافیایی که در طول اجرا باز نمای می‌شود اقلیمی است «برساخته» که می‌توان در گوشه و کنار کشور سراغش گرفت واز سرعلاقه با ماجراجویی، سفری کوتاه به آن دیار داشت و از مناسبات عجیب و غریب‌هالی روستا فافلگیر شد و در پی کشف ناشناخته‌ها بود. «وهاب ناصری منش» در مقام کارگردان، ایده‌ای در باب فرهنگ روستایی مردمان «برج عیوض» داشته و آن را به نوسندهای چون «شیده غفاریان» سپرده است تا به جامی برساندش. نتیجه این همکاری، نمایشی است تماشایی و مشارکت‌جو و صدا البته تا حدی خام که می‌توان گفت ناپهنگام است و خلاف آمد جریان غالب تئاتر این روزهای بدنه به هر حال می‌شود نمایش «عبور قوای برج عیوض از اراضی کاخ هنر» را شکلی از تئاتر ایللیاتی دانست که از یک منظر محلی روایت می‌شود و مخاطبان را دچار شگفتی و بهت می‌کند از مواجهه با مردمان روستای برج عیوض. مراسم ختم خان مقدمه‌ای است برای طرح مباحث لا ینحل روستا و آشکار شدن اختلافات پیدا و پنهان روستائینشان سنت‌گرایی که به وقت اجرای اصلاحات ارضی شاه پهلوی، درگیر تعارض منافع شده و از تحسی روستا می‌ترسد.

به لحاظ اجرایی، تنوع لباس‌ها، اطوار باز یگران، مناسکی که گاه‌وبی‌گاه به اجرا در می‌آید و موجب تماشایی شدن نمایش می‌شود می‌توان این نکته را فهمید که با نمایشی انتقادی مواجه هستیم. اهالی روستا لهجه‌هایی از اقلیم‌های دور و نزدیک ایران دارند و با آنکه گفتگوهایی که میان‌شان در جریان است یادآور دوران پهلوی است اما گاهی در میانه اجرا بنابر ضرورت با تفنن به این روزهای جوانان تهرانی اشاره می‌شود که فی‌المثل به کافه لمیز می‌روند و با دوستانشان خوش می‌گذرانند.

مکانی که باز نمایی می‌شود و امکان گر ده‌مایی روستاییان را فراهم می‌کند یک فضای «غریب‌اشنا» است که از فرط آشنابودن غریب‌دور از دسترس شده است. از قضا پلاتوی کاخ هنر با آن دیوارهای آجری و فاقد امکانات مر سوم یک سالن تئاتری، مکانی است مناسب برای برگزاری مراسم ختم مردمان روستا که دغدغه این روزهایشان دفع نیروهای شر از طریق قربانی کردن نوزادی تازه متولد شده است. پس جای تعجب نخواهد بود که اهالی روستای «برج عیوض»، نگاهی به سنت‌های گذشته داشته باشند تا نه بدیات نیروهای شر را مهار کنند و روال زندگی را محفوظ بدارند. جالب آنکه مراسم قربانی کردن نوزادان، ذقابق تماشایی و هر اسناک اجرا است که به زنده‌شدن خان پر آواز ه روستا که «ااسته» نام دارد منتهی می‌شود. از این جهت می‌توان باور فلسفی کارگردان را در تثبیت مفهوم «پدر» و باز تولید جایگاه خدشه‌ناپذیرش دانست. خان به مثابه یک جنازه ناگهان زنده می‌شود و با حرکتی جادویی، اهالی روستا را مورد عنایت خویش قرار داده و گویی آنسان را همیون‌تیزم کرده‌و تک‌به‌تک بر زمین می‌اندازد. خان به مثابه موجودی فرادست، از نور روستاییان را انتظام می‌بخشد و

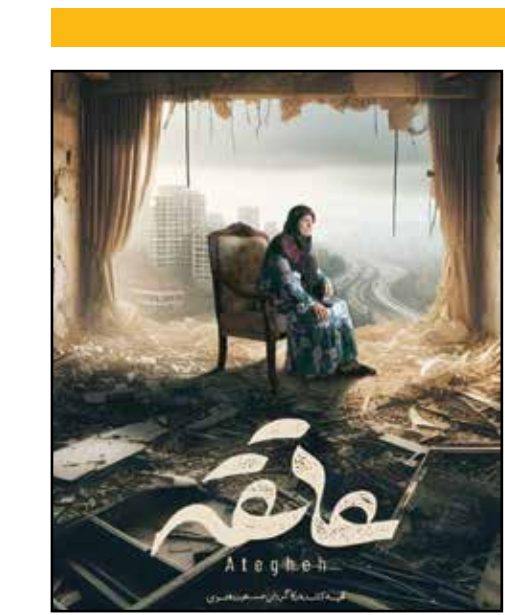
سپس از صحنه خارج می‌شود. از یادنبریم که چگونه ارجاعی که به نظریه «جامعه کوتاه مدت» کاتوزیان می‌شود آشکار کننده جهت‌گیری فلسفی اجرا است. کاتوزیان معتقد است جامعه ایران، بخاطر نامکنم بودن انباشت سرمایه و گسست‌های ویرانگر تاریخی، نمی‌توانسته تداوم داشته باشد و مردمانش مجبور بودند مدام همه



چیز را از نو آغاز کنند. اجرا با تاسی از نظریه کاتوزیان، باور دارد که چه در سطح محلی همچون یک روستای دورافتاده و چه در سطح ملی چون کشور ایران، برتری با جایگاه نامداین پدر است و ایران جامعه‌ای کوتاه مدت، آیین قربانی کردن نوزاد، بیش از آنکه دفع شر کند جایگاه نامداین پدر را تثبیت و آن باز تولید می‌کند. بنابر این راهی به راهایی و رستگاری در اقی پیش و مشاهده نمی‌شود و قدرت در اختیار رئیس قبیله است و او اگر صلاح بداند می‌تواند آن را به زیردستان خویش بسپارد و مدتی از نظر ه‌اغایب شود. یکی از نکات قابل اعتنای اجرا، استفاده از تمهید «چاچاد رفتگی» است. در طول نمایش، مدام در روایت، وقفه ایجاد شده و متونی نظری خوانده می‌شود. گفتارهایی که در این متنون امده رنگ و بوی «خطبه‌ای اجرا» دارد و نگاهی است انتقادی به وضعیت فرهنگی و سیاسی جامعه ایران. این گفتارهای تئوریک، با جدیتی وصف‌ناشدنی

قرائت شده و مخاطبان را خطاب می‌کند و در همین جدی بودن‌هاست که جنگ بودن وضعیت کلی نمایش آشکار می‌شود. مباحثی که به زندگی روزمره، جامعه‌شناسی، تاریخ، نقد اقتصاد سیاسی و علم می‌پردازند و سعی دارد در تقابل با بدویت و غرابت اغراق شده مناسبات ایللیاتی باشد به امیری اپرونیک بدل می‌شود. به واقع روستاییان بابلاس‌های محلی، ناگهان از نقش خویش فاصله گرفته و همچون یک نظریه پرداز آکادمی، در باب مسائل و مشکلات جامعه به نظریه پردازی مشغول می‌شوند. اجرا به وضعیت پیچیدهای اشاره دارد که تجدد امرانه پهلوی بر سر راه مردمان ایران قرار داده و حتی روستاها را از هجوم مدرنیزاسیون دولت‌محور خاندان پهلوی در امان نگذاشته است. از این منظر فرمی که انتخاب شده، در این صحنه‌ها به خوبی عمل می‌کند و تناقضات فرهنگی ایرانی جماعت که مابین گذشته و آینده سرگردان هستند را بازتاب می‌دهد. پس می‌توان نمایش «عبور قوای برج عیوض از اراضی کاخ هنر» را تلفیقی از یک نمایش سنت‌گرایانه تمام عیار و «خطبه‌ای اجرایی» انتقادی دانست که هنوز نتوانسته فرم غایی خویش را بیابد و به مثابه یک سالک اهل طریقت، پیوسته قدم به راه دشوار حقیقت گذاشته و در این وادی عبرت و حسرت، متحمل شکست‌ها و ظفرمندی‌های گاه‌وبی‌گاه شده‌است.

در نهایت می‌توان گفت با اجرایی پژوهش‌محور و روبرو هستیم که عنصر سرگرمی‌سازی را فراموش نمی‌کند و تلاش دارد با بکارگیری فضاهای مختلف و متکثر معنایی، روایتی انتقادی و کمیک از یک جغرافیای فرضی اما آشنا ارائه کند که این روزهایش بحرانی است و در خطر نحسی و هجوم نیروهای شر. راتلسم‌ساده‌ای که استفاده شده در میانه اجرا، احسن جادویی به خود گرفته و شیطنت‌آمیز می‌شود. به نظر می‌رسد وهاب ناصری منش مسیر تازه‌ای را به انتخاب کرده و تلاش دارد از ظرفیت‌های مغفول مانده اقلیم‌های روستایی، برای خلق فضاهای گروتسک و پر رمز و راز نمایشی استفاده کند. او در این راه می‌بایست بیش از این به پژوهش‌پرداز دنگاه انتقادی خویش را معطوف به گوشه و کنار جغرافیای پنهانور ایران فرهنگی کند. با آنکه صحنه‌هایی که به دیالوگ روستاییان مربوط است، گاهی کشدار و ملال‌آور می‌شود اما در لحظاتی که آیین‌ها و مناسک سوگواری یاشادی بر گزار می‌شود، اجرا جان دوبارهای می‌گیرد و تماشایی می‌شود. اما تازسین، به هر حمله‌ای که سیاست اجرایی کارگردان به نقطه‌ای قابل اعتنا رسیده باشد و وضعیت را بحرانی کند فاصله بسیار است و این گروه اجرایی همدل و بر تعداد می‌بایست بیش از این قدم به مهلکه تجربه‌ورزی گذاشته و جسورانه از کلیشه‌ها عبور کنند. اینکه پرداختن به روستاییان در تاریخ ادبیات دراماتیک این سرزمین اغلب با گزوتیسمی نامربوط همراه بوده واقعیتی است غیر قابل انکار. اما نظر به می‌آید بتوان بار و یک‌دی تازه، سیاست‌بازنمایی مردمان ساکن در مناطق حاشیاهی چون روستا و شهرهای کوچک را از نوصورت‌بندی کرد و راه‌های تجربه‌نشدن را آموذ. همان‌هنگامی که قوای برج عیوض از مرزهای کاخ‌هنر عبور کرده و افاق پیش رو را مبهم اما تازان‌دادی امیدبخش می‌یابند.



تصاویر بسسنده کرده و سعی کرده در حداقلی‌ترین زمان، حداکثر اطلاعات و مضامین انسانی و اجتماعی را به مخاطب منتقل نماید. «عاققه» از نظر سبک مستندسازی یک مستند تک پرسوناژ و قهرمان محور است که سوژه مستند خیلی زود به مخاطب معرفی می‌شود و از همین جاست که بقه او می‌گیرد و تا پایان رها نمی‌کند. با وجود اینکه زبان مستند فارسی نیست، فارسی زبان و همه مردم جهان به راحتی رفتارهای مادرانه و شجاعانه عاققه را درک و با او همراهی می‌کنند. از این رو نمی‌توان جغرافیایی برای مخاطب این مستند قائل بود و هر تماشاگر بی‌غرض و مرضی که به انسانیت و حقیقت علاقه داشته باشد مخاطب واقعی و تارگت مستند محسوب می‌شود.

یکی از دلایل این همراهی برانگیزی و سمپاتی‌ک شدن مخاطب با سوژه زن فیلم مسعود دهنوی این است که علاوه بر اینکه تصویری قهرمان گونه از او ترسیم کرده اما سعی نکرده در پرداخت آن اغراق آمیز عمل کند و دچار بزرگنمایی شود به عبارت ساده‌تر مستندساز یک قهرمان انسانی رو‌ی زمین خلق کرده که مخاطب می‌تواند او را باور کند و در خلال رفتارها و گفتارهایش است که شجاعت و خاص بودن آن معرفی و رونمایی می‌شود و با دیالوگ و کلیشه تصویرسازی قهرمان خود را انجام نداده است. عاققه مثل همه انسان ها غدا در ست می‌کند. موسیقی گوش می‌دهد و سیگار می‌کشد و زندگی عادی دارد اما همین عادی بودن در آن شرایط غیر عادی که برای خیلی‌ها مرگ را آوراست واقعه‌ست نمایان مادرانگی و قهرمانی این زن لبنانی را تصویر و سندیت ببخشد.

پایان مستند با ترانه حماسی و تاثیرگذار عربی در رثای وطن و مقاومت پایانی می‌پذیرد که ترجمه آن بدین شرح است:

دشمنت گر یخت، ای وطنم

زور دنیا به تون رسید

مرممان در مقابل جنون طوفان مقاومت کردند

ترس و خطر را به مبارز طلبید

آن‌ها مریوند و ما میمانیم

زمین برای ماست و برای تو خواهی ماند

بدانید که امروز قوی‌تریم

قوی‌تر از هر حماسه‌ای....

جریان بسیار مهم که دو سال پیش در یکی از روستاهای شهر همدان رخ داده می‌پردازد. زنان روستا مخفیانه و دور از اطلاع مردان، نامه‌ای شکایت آمیز به فرمانداری و استانداری همدان می‌نویسند و می‌خواهند که به وضعیت بغرنجی که مردان روستا ایجاد کرده‌اند، رسیدگی کنند. همین نامه موجب می‌شود که فرمانداری برای حل مشکل روستا اقدام کند. این فیلم روایت زنان از چگونگی شکایت آنها و همکاری‌شان با هم برای مقابله با این معضل است و به‌ویژه شرایطی را که موجب شده نامه مخفیانه به دست فرماندار برسد، نمایش می‌دهد زیرا اگر مردها مطلع می‌شدند، طبیعتاً جلوانی شکایت را می‌گرفتند.

کارگردان «باقیدمحرمانگی» درباره پرسه تولید این مستند بیان کرد: در اخبار شبکه‌های اجتماعی به تیت‌چربی بر خود کردیم که در مورد زنان یک روستا بود. این خبر خیلی برای ما جذاب بود و تصمیم گرفتیم سرخ‌ها را دنبال کنیم تا این روستا را پیدا کرده و به زنان این روستا برسیم. آنچه که این خبر از همان تیت‌ر در خود داشت، یک ایده شگفت‌انگیز را در ذهن ما ایجاد کرد، ایده‌ای که بیش از هر چیز فرم روایی جدیدی را نوید می‌داد. بعد از پیدا کردن روستا، پیدا کردن تک‌تک زنانی که این جریان را بوجود آورده بودند، یک چالش‌سخت بود زیرا ما با یک روستا و قواند خاص خود مواجه بودیم. آه‌ها به ما اعتماد نمی‌کردند مگر اینکه بزرگان روستا ما را تایید می‌کردند. بزرگان روستا ما را تایید می‌کردند مگر هنوز ساخت فیلم را از فرمانداری به دهیاری ارائه بدیم و این پرسه برای ما زمان‌بر بود. تازه پس از کسب مجوز‌ها حالا لازمانی روبه‌رو بودیم که قواند سنتی خودشان را داشتند و با دوربین بسیار غریبه بودند. هر چند این مراحل و جنس بر خودر زنان با ما و دوربین خود موجب شد که ما به فرم و ساختار مناسب این فیلم دست پیدا کنیم.

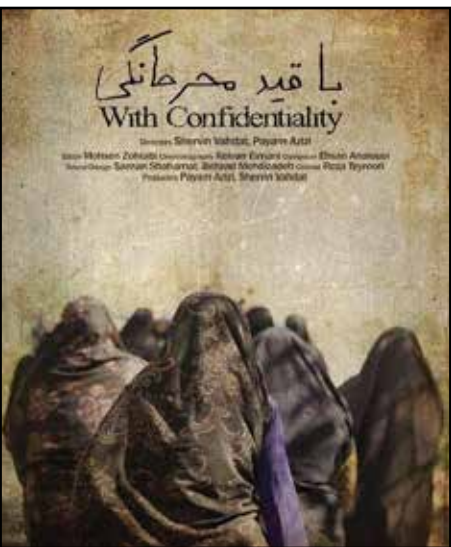
۳. عاققه

مستند «عاققه» مستندی کوتاه اما تاثیرگذار درباره زنی تنها است که یک تنه می‌تواند معنای مقاومت و نفرت از رژیم صهیونیستی را تعبیر کند. عاققه شیرزن لبنانی است که در منطقه‌ای جنگی در حال زندگی و کمک به مرزمدگانی است که زیر بمباران مدام صهیونیست‌ها همچنان ایستاده‌اند. اهمیت مستند «عاققه» از چند جهت در شرایط کنونی قابل تبیین است: نخست اینکه در شرایطی که فشار اسد سقوط کرده و به این بهانه طیف‌های سیاسی مخالف نظام ایران بر طبل براندازی می‌کوبند و محو مقاومت را شکست‌خورده نشان می‌دهند تصویر زنی تنها اما غیور و آرمان‌خواه در مقابل فشار فیزیکی و روانی سخت و فزاینده‌ای اسرائیلی که پیام بیشتری نمی‌تواند داشته باشد و آن این است که مقاومت زنده است و دشمنی با رژیم غاصب صهیونیستی پایان‌پذیر نیست.

اهمیت و ارزش مستند «عاققه» از حیث دیگر نیز قابل بحث است و آن اینکه در شرایطی که هنوز گروهی از فیلسمزان در حال گرفتن فاند و رانت داخلی و خارجی از فست‌توال‌ها هستند یک مستندمد جوان به همراه تصویر پرورش‌یافته در جنگ می‌زند و همگام و همدل با رزمندگان و محور مقاومت در لبنان به نوعی جهاد فرهنگی و انتقال اطلاعات را از طریق رسانه و تصویر دنبال میکند.

مسعود دهنوی در «عاققه» اندازه را نگه داشته و فاز از اینکه در آن شرایط جنگی و سخت حتی یک ثانیه فیلمبرداری

نیز ارزش چندبرابری پیدای کند به ۱۳ دقیقه از این



مستند کوتاه «باقیدمحرمانگی» به کارگردانی شروین وحدت و پیام عزیزی پیش از جشنواره سینما حقیقت، اردیبهشت ماه در بخش اصلی و بین‌الملل فئادمین جشنواره فیلم کوتاه اوبرهاوزن در کشور آلمان به نمایش در آمد. این فیلم به یک